



The Role of Teachers in Realizing Religious Democracy and Citizenship Rights in Parliamentary Elections

Esmaeil Abbasi¹, Amin Ravanbod^{2*}, Ghafar Zarei³

1. Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

2. Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

3. Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 193-109

Article history:

Received: 13 Jan 2026

Edition: 29 Jan 2026

Accepted: 26 Feb 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Teachers, Religious Democracy, Islamic Consultative Assembly Elections, Citizenship Rights, Fundamental Transformation Document of Education.

Corresponding Author:

Amin Ravanbod

Address:

Iran, Lamerd, Islamic Azad University, Lam.C., Department of Political Science.

Orchid Code:

0000-0003-0823-9764

Email:

aravanbod@iaau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Teachers play a vital role in political socialization and in institutionalizing a culture of civic participation. Accordingly, the present study aims to analyze the role of teachers in the realization of religious democracy, with particular emphasis on the elections of the Islamic Consultative Assembly (Parliament) and the requirements of citizens' rights.

Materials and Methods: This study was conducted using a descriptive-analytical approach based on library resources, relevant laws, and upstream policy documents, particularly the *Fundamental Reform Document of Education*.

Ethical Considerations: The study was conducted in accordance with the principles of academic integrity, accurate citation of sources, and respect for intellectual property rights.

Findings: Drawing on the theory of political efficacy, the findings indicate that teachers play a significant role in strengthening citizens' sense of political efficacy and their belief in their ability to influence political processes, thereby promoting responsible participation in the elections of the Islamic Consultative Assembly.

Conclusion: The realization of religious democracy depends on educating citizens who possess political awareness, social responsibility, and informed civic participation. As the most influential agents within the education system, teachers play a pivotal role in achieving this objective. Therefore, strengthening the professional and educational status of teachers and making strategic use of the capacities of the education system are essential prerequisites for fostering a culture of responsible political participation and advancing the goals of religious democracy.

Cite this article as:

Abbasi, E; Ravanbod, R & Zarei, Gh. "The Role of Teachers in Realizing Religious Democracy and Citizenship Rights in Parliamentary Elections". 2026.

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

نقش معلمان در تحقق مردم‌سالاری دینی و حقوق شهروندی در انتخابات مجلس

اسماعیل عباسی^۱، امین روان‌بد^{۲*}، غفار زارعی^۳

۱. گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

۳. گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۳-۱۰۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

معلمان، مردم‌سالاری دینی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، حقوق شهروندی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

نویسنده مسئول:

امین روان‌بد

آدرس پستی:

ایران، لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، گروه علوم سیاسی.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۸۲۳-۹۷۶۴

پست الکترونیک:

aravanbod@iaui.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: معلمان، نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت ایفا می‌کنند. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف تحلیل جایگاه معلمان در تحقق مردم‌سالاری دینی با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و الزامات حقوق شهروندی انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، قوانین و اسناد بالادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در انجام این پژوهش، اصول امانت‌داری علمی، استناد دقیق به منابع، رعایت حقوق مالکیت فکری رعایت شده است.

یافته‌ها: بر اساس نظریه اثربخشی سیاسی، معلمان در تقویت احساس توانمندی سیاسی شهروندان و باور آنان به اثرگذاری بر فرآیندهای سیاسی نقش مؤثری داشته و مشارکت مسئولانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تقویت می‌کنند.

نتیجه: تحقق مردم‌سالاری دینی در گرو تربیت شهروندانی دارای آگاهی سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت آگاهانه است و معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، نقش محوری در تحقق این هدف دارند. از این‌رو، تقویت جایگاه حرفه‌ای و تربیتی معلمان و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت نظام آموزشی، از الزامات اساسی ارتقای فرهنگ مشارکت سیاسی مسئولانه و تحقق اهداف مردم‌سالاری دینی است.

۱. مقدمه

آینده برای حضور آگاهانه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

علاوه‌بر این، تربیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مفهومی چندبُعدی است که علاوه‌بر افزایش آگاهی نسبت به ساختارهای سیاسی و اجتماعی، شامل پرورش مسئولیت‌پذیری، شناخت حقوق و تکالیف شهروندی، تقویت قدرت تحلیل و ایجاد توانایی مشارکت مؤثر در امور عمومی نیز می‌شود. بر این اساس، معلم می‌تواند به‌عنوان واسطه‌ای میان اهداف کلان نظام سیاسی و فرآیند تربیت شهروندی عمل کند. چگونگی ایفای این نقش، به‌ویژه در شرایطی که مشارکت سیاسی آگاهانه یکی از الزامات تحقق مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود، موضوعی است که نیازمند بررسی علمی است.

از سوی دیگر، حقوق شهروندی در نظام‌های مردم‌سالار، صرفاً مجموعه‌ای از حقوق فردی نیست، بلکه شامل مسئولیت‌ها و تکالیفی است که شهروندان در قبال جامعه و سرنوشت عمومی بر عهده دارند. مشارکت سیاسی، حضور مسئولانه در فرآیندهای انتخاباتی، توجه به منافع عمومی و توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه از جمله مؤلفه‌هایی است که در چارچوب حقوق شهروندی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، نظام آموزشی و به‌طور خاص معلمان، می‌توانند در ایجاد نگرشی متوازن نسبت به حق مشارکت و مسئولیت اجتماعی شهروندان نقش مهمی ایفا کنند.

مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بر پیوند میان مشارکت عمومی شهروندان، ارزش‌های دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی استوار است. در این چارچوب، انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت سیاسی شهروندان، تنها یک فرآیند حقوقی برای تعیین نمایندگان نیست، بلکه عرصه‌ای برای تحقق نقش‌آفرینی عمومی، اعمال حق تعیین سرنوشت و مشارکت در اداره امور جامعه محسوب می‌شود. تحقق مطلوب چنین الگویی از مردم‌سالاری، نیازمند وجود شهروندانی آگاه، مسئول و برخوردار از بینش سیاسی است؛ امری که شکل‌گیری آن تا حد زیادی تحت تأثیر فرآیندهای تربیتی و نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی قرار دارد.

در میان نهادهای مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی، نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا مدرسه نخستین محیط اجتماعی سازمان‌یافته‌ای است که افراد در آن با مفاهیم مرتبط با جامعه، قانون، مسئولیت اجتماعی، حقوق شهروندی و مشارکت عمومی آشنا می‌شوند. در این میان، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عناصر اجرایی نظام آموزشی، نقشی فراتر از انتقال دانش و مهارت‌های علمی بر عهده دارند و در شکل‌دهی نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان اثرگذار هستند. از این منظر، بررسی جایگاه معلمان در تحقق مردم‌سالاری دینی، مستلزم توجه به نقش آنان در تربیت سیاسی، تقویت روحیه مشارکت‌جویی و آماده‌سازی نسل

تا نشان داده شود که به چه نحوی می‌توان نقش آنان را در تربیت سیاسی، تقویت مشارکت مدنی و سیاسی و آماده‌سازی شهروندان برای حضور آگاهانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی بهره برد.

اثربخشی سیاسی را می‌توان در دو بُعد درونی و بیرونی مورد بررسی قرار داد. اثربخشی سیاسی درونی به میزان احساس توانایی و شایستگی فرد در درک مسائل سیاسی، اظهارنظر درباره موضوعات عمومی و مشارکت در فرآیندهای سیاسی اشاره دارد. در مقابل، اثربخشی سیاسی بیرونی ناظر بر این باور است که ساختار سیاسی، دولت و نهادهای تصمیم‌گیر تا چه اندازه نسبت به دیدگاه‌ها و خواسته‌های شهروندان پاسخگو هستند. به بیان دیگر، این نوع از اثربخشی بیانگر میزان ادراک افراد از امکان تأثیرگذاری بر محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون خود است. هنگامی که افراد در هر دو بُعد اثربخشی سیاسی، سطح بالایی داشته باشند، احتمال مشارکت فعال‌تر آنان در امور سیاسی افزایش می‌یابد؛ درحالی که ضعف در این مؤلفه‌ها می‌تواند به کاهش انگیزه مشارکت و شکل‌گیری احساس بی‌تفاوتی سیاسی منجر شود بر اساس نظریه خود اثربخشی بندورا، میان باور فرد نسبت به توانایی‌های شخصی و میزان تلاش او برای دستیابی به اهداف، رابطه مستقیمی وجود دارد.

افرادی که معتقدند قادر به تأثیرگذاری بر شرایط اجتماعی و سیاسی هستند، معمولاً با انگیزه بیشتری در فعالیتهای جمعی مشارکت می‌کنند؛ اما زمانی که فرد احساس کند اقدامات او نتیجه‌ای به همراه ندارد یا موانع محیطی امکان اثرگذاری را از وی سلب می‌کند، احتمال شکل‌گیری احساس

در این میان، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از اسناد راهبردی نظام تعلیم و تربیت، بر تربیت انسان‌هایی دارای بصیرت دینی و سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روحیه جمعی، قانون‌مداری و توانایی حضور فعال در جامعه تأکید کرده است. توجه این سند به مؤلفه‌هایی مانند مشارکت اجتماعی، انتخابگری و مسئولیت‌پذیری، ضرورت بررسی نقش معلمان در تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی نظام آموزشی را دوچندان می‌سازد. با وجود اهمیت این موضوع، بررسی جایگاه معلمان در ارتباط میان نظام آموزشی، تربیت سیاسی، حقوق شهروندی و مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، همچنان نیازمند تحلیل دقیق‌تر و نظام‌مند است.

همچنین، با توجه به اهمیت مفهوم «اثربخشی سیاسی» در تبیین مشارکت شهروندان، توجه به این مسئله ضروری است که افراد زمانی در فرآیندهای سیاسی مشارکت فعال خواهند داشت که از یک‌سو احساس کنند توانایی درک و تحلیل مسائل سیاسی را دارند و از سوی دیگر، امکان اثرگذاری آنان بر محیط اجتماعی و سیاسی فراهم است. بنابراین، نقش نظام آموزشی و معلمان در تقویت چنین نگرشی، موضوعی قابل تأمل در بررسی ارتباط میان تربیت سیاسی و تحقق مردم‌سالاری دینی به شمار می‌رود. بر این اساس، مسئله اساسی پژوهش حاضر آن است که معلمان در چارچوب نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چه جایگاهی در تحقق مردم‌سالاری دینی و نقش‌آفرینی در انتخابات مجلس شورای اسلامی دارند؟ بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش بر این

بیهودگی، ناامیدی و کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. از این منظر، تقویت احساس اثربخشی سیاسی شهروندان، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای توسعه مشارکت سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود (بندورا، ۱۹۸۲، ۱۴۰). با این حال، باید میان احساس بی‌اثری ناشی از ضعف اعتماد به توانایی‌های فردی و بی‌اثری ناشی از محدودیت‌ها و موانع محیطی تمایز قائل شد؛ زیرا هر یک از این دو منشأ، پیامدها و راهکارهای متفاوتی دارند. ممکن است فردی به توانایی‌های خود اطمینان داشته باشد، اما به دلیل وجود موانع ساختاری یا نبود فرصت‌های مناسب مشارکت، امکان تحقق اهداف خود را محدود ببیند. بنابراین، افزایش مشارکت سیاسی نیازمند توجه هم‌زمان به ارتقای توانمندی‌های فردی و فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی و نهادی مناسب برای اثرگذاری شهروندان است.

بر مبنای نظریه‌ی اثربخشی سیاسی، مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی به این امر وابسته است که افراد تا چه اندازه خود را دارای توانایی فهم مسائل سیاسی و مؤثر در تعیین سرنوشت اجتماعی بدانند. این چارچوب نظری در تبیین جایگاه معلمان در تحقق مردم‌سالاری دینی اهمیت دارد؛ زیرا نظام آموزشی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری احساس مسئولیت و اثربخشی سیاسی شهروندان است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از مفاهیم این نظریه و با تأکید بر مؤلفه‌های مطرح‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقش معلمان در تقویت آگاهی سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت مدنی دانش‌آموزان بررسی می‌شود. بر این

اساس، معلمان از طریق آموزش حقوق و تکالیف شهروندی، تقویت قدرت تحلیل و ایجاد زمینه گفت‌وگوی اجتماعی، می‌توانند احساس اثربخشی سیاسی را در نسل آینده افزایش دهند. تحقق مشارکت آگاهانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز نیازمند شهروندانی است که علاوه بر برخورداری از حق مشارکت، خود را قادر به انتخاب مسئولانه و اثرگذاری در عرصه عمومی بدانند. بنابراین، نظریه اثربخشی سیاسی چارچوب مناسبی برای تحلیل پیوند میان نقش معلمان، تربیت شهروندی و تحقق مردم‌سالاری دینی فراهم می‌آورد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر از نوع کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق مردم‌سالاری دینی تنها به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی محدود نیست، بلکه مستلزم تربیت شهروندانی آگاه، مسئول و برخوردار از توانایی تحلیل سیاسی است. در این میان، نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه معلمان، نقشی اساسی در جامعه‌پذیری سیاسی و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت ایفا می‌کنند. بررسی مبانی نظری و اسناد بالادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بیانگر آن است که مؤلفه‌هایی مانند بصیرت

بشناسند و در این مسیر، معلمان به‌عنوان الگو لحاظ می‌شوند (آقابیکگی و آقابیکگی، ۱۳۹۹، ۴۰۶).

همچنین جایگاه سیاسی و اجتماعی معلمان در نظام جمهوری اسلامی ایران تنها محدود به تعلیم و تربیت رسمی نیست، بلکه آنان هم در نزد آحاد مردم و از منظر جایگاه اجتماعی مؤثری که دارند و هم از نظر اثرگذاری بر فرایند تعلیم و تربیت غیر رسمی، بر تحولات سیاسی نظیر انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز اثرگذاری دارند. پیوند نقش معلمان با مردم‌سالاری دینی به دلیل اهمیت مشروعیت سیاسی برای نظام است که یکی از راه‌های کسب آن انتخابات مجلس شورای اسلامی است (فهندژ سعدی و همکاران، ۱۴۰۳، ۱۰۵). بر این اساس تحلیل تأثیرگذاری معلمان در راستای مردم‌سالاری دینی و مباحث حقوق شهروندی در مباحث پیش رو بررسی خواهد شد.

۵-۱-۱. تربیت سیاسی تراز مردم‌سالاری دینی

نظام اسلامی برای ادامه حیات و دستیابی به اهداف متعالی نیازمند تربیت سیاسی شهروندان است که در عرصه‌های انتخابات و مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور فعال داشته باشند. این نیاز مستلزم نقش‌آفرینی گروه‌های اثرگذار در جامعه است که بتواند تربیت سیاسی تراز جمهوری اسلامی را شکل بدهند؛ زیرا تربیت سیاسی از جمله مؤلفه‌های تربیت شهروندی است که از رسالت‌های نظام تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی ایران است (رشیدی‌مفرد و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۶۶).

معلمان در این زمینه هم در فرایند تعلیم و تربیت رسمی و هم در عرصه تعلیم و تربیت غیر رسمی

دینی و سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، قانون‌مداری و انتخابگری، از ارکان تربیت شهروندان مشارکت‌جو محسوب می‌شوند و معلمان نقش محوری در تحقق این اهداف دارند.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که تقویت اثربخشی سیاسی درونی و بیرونی از طریق آموزش مهارت‌های تفکر، تحلیل، گفت‌وگو و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی، زمینه‌ساز مشارکت آگاهانه و مسئولانه در فرآیندهای سیاسی است. افزون بر این، جایگاه اجتماعی و اعتماد عمومی به معلمان، دامنه اثرگذاری آنان را فراتر از محیط مدرسه گسترش داده و آنان را به یکی از عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ مشارکت سیاسی تبدیل کرده است. بر این اساس، تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای، اجتماعی و سیاسی معلمان و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت نظام آموزشی، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تحقق اهداف سند تحول بنیادین و ارتقای کیفیت مردم‌سالاری دینی در انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌شمار می‌آید.

۵. بحث

۵-۱. جایگاه سیاسی و اجتماعی معلمان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

جایگاه سیاسی و اجتماعی معلمان بسیار متنوع است که یکی از جلوه‌های مهم آن، انتخابات در عرصه سیاسی است. نقش معلمان نیز به دلایل متعددی حائز اهمیت است؛ از جمله اینکه تربیت شهروند از جمله ضرورت‌های مهم هر نظام تعلیم و تربیت است که هدف این دانش‌آموزان به ارزش‌های فردی احترام گذاشته و شأن انسانی را

هم بر فراگیران و هم بر سایر اقشار جامعه دارای منزلت و اثرگذاری هستند. به همین دلیل توانمندسازی معلمان و استفاده از ظرفیت آنان در نظام آموزش رسمی و غیر رسمی اهمیت دارد (علی محمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰). با پذیرش نقش اثرگذار معلم، وظایف متعددی در عرصه سیاسی و اجتماعی وجود دارد که هم نیازمند و هم تحت تأثیر رفتارهای آنان قرار می‌گیرند.

در نظام تعلیم و تربیت مورد نظر جمهوری اسلامی اهداف متعددی در نظر گرفته است که از جمله حفظ دین و ارزش‌های الهی در جامعه یکی از آنان است (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷، ۳۶). علاوه بر این، در سطح بین‌المللی و فراتر از مرزهای سرزمینی، شناخت ترفندهای استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن (صافی، ۱۳۹۱: ۱۶)، از جمله ویژگی‌های فراگیران همسو و تراز جمهوری اسلامی است. همچنین در سطح ملی نیز پاسداری از استقلال و آزادی مدنظر است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۰۲-۲۰۱)؛ اما در حوزه حقوق شهروندی، ارتقاء بینش سیاسی در زمینه‌های مختلف برای مشارکت آگاهانه در سرنوشت کشور و جهان اسلام بسیار مورد تأکید است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۴-۲۴۵).

این رویکرد در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تربیت فراگیرانی که بتوانند در عرصه اجتماعی و سیاسی مسئولیت‌پذیر باشند، مدنظر قرار گرفته است؛ زیرا آموزش شهروندی از طریق انتقال دانش، مهارت و نگرش شهروندی نسبت به وضعیت جامعه مدنظر نظام تعلیم و تربیت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است (فرهادی و

همکاران، ۱۴۰۲، ۲۲۸). همچنان که تربیت این افراد مستلزم وجود معلمانی است که بتوانند ضمن پایبندی به برآورده کردن نیازهای جامعه، افرادی متناسب با این نیازها تربیت نمایند که امروزه تحت عنوان تربیت سیاسی از آن یاد می‌شود و همه‌ی ظرفیت‌های لازم برای نمایش شهروندی تراز جمهوری اسلامی را ارائه می‌کند.

اما به‌طور مشخص بخشی از این ظرفیت به مشارکت علنی و حضور در عرصه‌ی انتخابات و از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی مرتبط است. به‌طوری‌که معلمان آموزش و پرورش در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران که اغلب با نام فرهنگیان شناخته می‌شوند در ساماندهی انتخابات و راه‌اندازی ماشین تبلیغات نامزدها تا حد قابل توجهی بیش از سایر نیروها نقش‌آفرینی دارند و در راه‌اندازی ماشین تبلیغات نسبت به سایر نیروهای نقش بیشتری دارند و به جهت‌دهی و تمهید مردم اقدام می‌نمایند (میرزائی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۲۲). اگر این ظرفیت در راستای برآورده کردن الزامات حقوق شهروندی از جمله مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی و پیوند منافع عمومی با اهداف نظام سیاسی پیوند بخورد، عامل مهمی در ارتقاء جایگاه معلمان در جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. در این راستا، مطالعه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰ نقش مهمی در راستای شناسایی ظرفیت‌ها و جایگاه معلمان در تحقق مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یک هدف متعالی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت سیاسی را یکی از ارکان اساسی نظام تعلیم و تربیت

تحول بنیادین بر تعمیق بصیرت دینی و سیاسی و رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، جایگاه معلمان را در تربیت سیاسی دانش‌آموزان و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت مسئولانه در چارچوب مردم‌سالاری دینی به‌خوبی تبیین می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۵، بند ۲).

۵-۱-۲. معلمان و حمایت از گفتمان سیاسی مشارکتی

در جامعه ایران، نقش معلمان به نحوی است که بیشتر در قامت یک گروه ذی‌نفوذ قابل دسته‌بندی هستند. از این منظر معلمان توده‌ای سازمان‌یافته تلقی می‌شود که برای نفوذ بر تصمیمات حکومتی شکل می‌گیرند، بدون آنکه اعضای آن خود را در مقامات رسمی حکومت جای دهند (عالم، ۱۳۹۰، ۳۵۸). بنابراین قشر یا گروه ذی‌نفوذ معلمان به‌طور خاص به‌دنبال کسب قدرت در سطوح بالای سیاسی نیست، هرچند که ممانعتی برای این رویه تعریف نشده است و حتی برخی از سران سیاسی و یا نمایندگان مجلس سوابق معلمی دارند که نمونه بارز آن محمدعلی رجایی است. ضمن اینکه معلمان در دفع تهدیدات و تهاجمات فرهنگی از سوی دشمن نیز دارای نقش مهمی هستند و اگر بتوانند شرایط اقتصادی و اجتماعی را به نحو مطلوبی برای آحاد مردم و فراگیران تشریح کنند، تأثیر مطلوبی بر مشارکت مردم بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و نظام مردم‌سالاری دینی خواهند داشت (تنها و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۹۲).

علاوه بر این آموزش در ایران که معلمان ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهند، زمینه و بستر مناسبی برای پیروزی نامزدهای انتخابات در ادوار مختلف هستند.

رسمی و عمومی دانسته و در فصل پنجم (هدف‌های کلان، بند ۲) بر «تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم‌سالاری دینی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی» تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۵، بند ۲). مفاد این بند نشان می‌دهد که تربیت سیاسی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران صرفاً به انتقال آگاهی‌های سیاسی محدود نیست، بلکه هدف آن پرورش شهروندانی است که در کنار برخورداری از بصیرت دینی و سیاسی، نسبت به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی خود نیز آگاهی داشته و مشارکت در عرصه‌های عمومی را در چارچوب قانون، اخلاق و ارزش‌های مردم‌سالاری دینی دنبال کنند.

در این چارچوب، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل تربیتی مدرسه، نقشی اساسی در تحقق اهداف یادشده بر عهده دارند. آنان از طریق آموزش مفاهیم حقوق شهروندی، تقویت روحیه قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، گفت‌وگوی منطقی و احترام به دیدگاه‌های مختلف، زمینه تربیت نسلی را فراهم می‌کنند که مشارکت سیاسی را مبتنی بر آگاهی و مسئولیت می‌داند. این رویکرد به‌ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا تحقق مردم‌سالاری دینی مستلزم حضور شهروندانی است که با شناخت صحیح از حقوق و تکالیف خود، معیارهای انتخاب آگاهانه و آثار اجتماعی رأی خویش، در تعیین سرنوشت سیاسی کشور مشارکت کنند. از این‌رو، تأکید سند

به دلیل همین اثرگذاری است که بسیاری از سیاسیون در جامعه از جمله در انتصابات حوزه آموزش و پرورش هم دقت زیادی به خرج می‌دهند که کدام شخص در کدام منصب گماشته شود تا پایگاه رأی خوبی به دست آورد و بتواند منافع سیاسیون را تأمین نماید. در واقع باید گفت که آموزش و پرورش در بسیاری از موارد در نقش سازمان رأی سیاسیون عمل می‌کند (موحدی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۵۰). بنابراین پیوند نقش معلمان با مردم‌سالاری دینی و انتخابات مجلس شورای اسلامی چند بُعدی و گسترده است.

وجه دیگری از تأثیرگذاری معلمان بر عرصه مردم‌سالاری دینی و مخصوصاً انتخابات مجلس شورای اسلامی، نقش اثرگذار معلمان برای حمایت از مشارکت سیاسی است. به این دلیل که فرهنگیان دارای منزلت بالایی در میان طبقات مختلف جامعه هستند (شیبانی و موسوی، ۱۳۹۰، ۱۰۹). همین میزان از اعتماد و پایگاه اجتماعی باعث شده تا زمینه برای تمایل سیاستمداران به نفوذ در میان گروه اثرگذار بیشتر شود؛ به‌طوری‌که کنشگران سیاسی در صدد هستند تا برای دستیابی به اهداف خود از نقش معلمان بهره ببرند. بنابراین معلمان هم در مقام اثرگذاری بر تربیت سیاسی دانش آموزان و بخش‌های مختلف جامعه، دارای نقش سیاسی پر رنگی هستند که می‌توانند در نقش یک نیروی سیاسی در ستادهای انتخاباتی فعالیت داشته باشند.

درباره مؤلفه اثرگذاری معلمان بر دانش آموزان در فرایند تعلیم و تربیت رسمی باید بیان شود که انتخابات در هر زمینه و مقامی که باشد، نیازمند تربیت نیروهای سیاسی برای کنشگری چه در

عرصه رأی‌دهی و چه در عرصه تلاش برای به دست آوردن قدرت یا حضور در مبارزات انتخاباتی است. به‌طوری‌که از جمله سازوکارهای تربیت ملی و اهداف عالی نظام رسمی تعلیم و تربیت، تربیت نیروی سیاسی و اجتماعی کودکان است که در قامت مکمل نقش خانواده، قانونی است که در آن، افراد همراه با تعلیم و تربیت و کسب معلومات تربیت می‌شوند (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۷۲).

در صورتی که خروجی تربیت سیاسی، مشارکت شهروندان در انتخابات را در پی داشته باشد، ضمن ایجاد رقابت در فضای سیاسی جامعه، زمینه را برای تحقق عنصر مشارکت به‌عنوان حقی از شهروندی عینیت می‌بخشد. همچنان‌که در برنامه درسی ملی ایران، گفتمان سیاسی برنامه درسی با تأکید بر ترجیح بخشی به منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی، حمایت از حاکمیت قانون، توجه به آزادی مسئولانه، مشارکت اجتماعی و باور عملی به ولایت فقیه ارائه شده است (یوسف‌زاده چوسری، ۱۳۹۶، ۴).

در این صورت، مردم‌سالاری دینی با حس مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی معلمان هم در ابعاد کمی و هم در ابعاد کیفی، رنگ و جلوه رقابتی به خود گرفته و آحاد شهروندان را به مشارکت سیاسی ترغیب می‌نماید. بدیهی است که اگر نقش معلمان به دوری‌گزینی، حس بی‌اعتمادی سیاسی و یا عدم مشارکت در انتخابات باشد، یکی از الزامات حقوق شهروندی که مشارکت و مسئولیت‌پذیری در قبال سرنوشت جامعه است، تحقق پیدا نخواهد کرد.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در فصل پنجم، هدف‌های کلان، بند ۱، تربیت انسان «انتخابگر و آزادمنش»، «جمع‌گرا»، «قانون‌مدار و

فرهنگ مشارکت سیاسی و تحقق مردم‌سالاری دینی ایفا می‌کنند؛ امری که با اهداف مقرر در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم‌سویی کامل دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۵، بند ۱).

۵-۱-۳. نقش معلمان در تربیت شهروندی دینی در انتخابات مجلس

تربیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ایده مردم‌سالاری دینی شکل گرفته که همواره از اولویت‌های خاصی برخوردار است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بخشی از تربیت دینی، توانمندی دینی است که پشتوانه توانمندی فراگیران است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۹۶). از این جهت تعلیم و تربیت رسمی مطابق با الزامات مدنظر جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تدارک معلمان آگاه و متعهد است که دارای شایستگی و مهارت‌های لازم باشند و با اجرای مناسب برنامه‌های درسی، زمینه را برای رشد شخصیت افراد در ابعاد مختلف از جمله حوزه‌های سیاسی و اجتماعی فراهم آورند (شیروانی شیرینی و همکاران، ۱۴۰۰، ۷۰). به همین دلیل، در عرصه انتخابات و پیوند آن با ساختار نظام آموزشی و فعال کردن نقش معلمان، ترسیم نقشه راهی که بتواند معلمان را در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از جمله مشارکت در انتخابات مجلس تربیت نماید، امری ضروری است. حسب رویکرد ایدئولوژیک و سیاسی موجود در ساختار جمهوری اسلامی ایران، شیوه خاصی از آماده‌سازی از مسیرهای آموزش، تربیت و یادگیری به دو شیوه نظام‌مند و مدنی انجام می‌شود که به تربیت نوعی خاص از شهروندی

نظم‌پذیر» و «آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و جامعه» را از مهم‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی معرفی می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۵، بند ۱). این مؤلفه‌ها بیانگر آن است که نظام آموزشی در پی تربیت افرادی است که علاوه بر برخورداری از فضایل اخلاقی و دینی، توانایی حضور مسئولانه و آگاهانه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را نیز داشته باشند. تأکید سند بر ویژگی‌هایی همچون انتخابگری، قانون‌مداری، جمع‌گرایی و مسئولیت‌پذیری، مبنایی برای تقویت گفتمان سیاسی مشارکتی در محیط‌های آموزشی به‌شمار می‌رود؛ زیرا مشارکت سیاسی مؤثر، مستلزم برخورداری شهروندان از قدرت انتخاب آگاهانه، احترام به قانون، پذیرش مسئولیت اجتماعی و تعامل سازنده با دیگران است.

در این میان، معلمان نقش محوری در تحقق این اهداف ایفا می‌کنند؛ زیرا آنان با ایجاد فضای گفت‌وگو، تقویت روحیه مشارکت، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، احترام به دیدگاه‌های مختلف و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، زمینه‌ی شکل‌گیری گفتمان سیاسی مشارکتی را در میان دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. چنین گفتمانی، مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را صرفاً به حضور در پای صندوق رأی محدود نمی‌کند، بلکه آن را فرآیندی مبتنی بر آگاهی، مسئولیت‌پذیری، انتخاب عقلانی و توجه به منافع عمومی می‌داند. از این‌رو، معلمان با تربیت دانش‌آموزانی انتخابگر، قانون‌مدار و متعهد به مسئولیت‌های اجتماعی، نقش مؤثری در تقویت

منتهی شده که می‌توان از آن تحت عنوان «شهروند دینی» یاد کرد.

نظام رسمی با برقرار کردن نهادهای عمومی رسمی و نیمه‌رسمی نظیر اماکن دینی، فرهنگی و مؤسسات آموزشی و مذهبی تلاش دارد شیوه‌های یادگیری و آموزش را در راستای افزایش کیفیت زندگی اجتماعی و تقویت سرمایه دینی - اجتماعی به کار گیرد و در نهایت با کاهش هزینه کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری، نسبت به مدیریت جامعه اقدام نماید (کمال‌پور خوب و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۲). در این میان، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین کنشگران نظام تعلیم و تربیت، نقش واسطه‌ای میان اهداف کلان نظام آموزشی و تحقق مشارکت سیاسی شهروندان ایفا می‌کنند. کیفیت تربیت سیاسی دانش‌آموزان تا حد زیادی به میزان توانایی معلمان در انتقال ارزش‌هایی نظیر مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی، احترام به حقوق عمومی، روحیه گفت‌وگو و انتخاب آگاهانه وابسته است.

از این منظر، تربیت شهروندی دینی صرفاً به انتقال مفاهیم نظری محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم تقویت مهارت‌های مشارکت مدنی و آمادگی برای ایفای نقش مؤثر در عرصه‌های سیاسی، از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی است. معلم با ایجاد فضای یادگیری مبتنی بر تفکر، تحلیل و مسئولیت اجتماعی، می‌تواند نگرش دانش‌آموزان را نسبت به مشارکت سیاسی از یک رفتار صرفاً تشریفاتی به یک مسئولیت آگاهانه و مؤثر در تعیین سرنوشت جامعه ارتقاء دهد. در این راستا سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در فصل دوم، «بیانیه ارزش‌ها»، بند ۲، بر «بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون

عبادی، اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۲، بند ۲).

این رویکرد نشان می‌دهد که تربیت سیاسی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به آموزش صرف مفاهیم سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه در پی پرورش افرادی است که از بصیرت سیاسی در کنار رشد اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی برخوردار باشند. در این میان، معلمان نقش اساسی در تحقق این هدف ایفا می‌کنند؛ زیرا با ارتقاء قدرت تحلیل، تقویت آگاهی اجتماعی و آموزش مسئولیت‌های شهروندی، زمینه تربیت شهروندانی را فراهم می‌آورند که مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر پایه شناخت، مسئولیت‌پذیری و تشخیص آگاهانه دنبال می‌کنند. بدین ترتیب، بصیرت سیاسی مورد تأکید سند تحول، یکی از مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری مشارکت سیاسی مسئولانه و تقویت شهروندی دینی در فرآیند انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌شمار می‌آید.

۵-۱-۴. ترویج مشارکت مدنی و سیاسی از سوی معلمان در انتخابات مجلس

آموزش و ترویج مشارکت سیاسی از جمله اهدافی است که نظام آموزشی هر کشور دنبال می‌کند و در این میان نقش معلمان بسیار مهم و حیاتی است. یونسکو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی، آموختن، تمرین و مشارکت، مدنیت و مردم‌سالاری را در کلاس درس و مدرسه ضروری تلقی کرده و همه کشورها را ملزم نموده که اقداماتی را در این باره انجام دهند (کرمزادی، ۱۳۹۷، ۲۸۴). بر این اساس، مدرسه به‌عنوان نخستین

سیاسی صحیح موجب می‌شود دانش‌آموزان در آینده، حضور خود در انتخابات مجلس شورای اسلامی را اقدامی آگاهانه و مسئولانه تلقی کنند و نسبت به آثار تصمیمات سیاسی خود در جامعه حساس باشند. بنابراین، معلمان از طریق آموزش مفاهیم مرتبط با مسئولیت اجتماعی و مشارکت عمومی، می‌توانند زمینه کاهش بی‌تفاوتی سیاسی و تقویت فرهنگ مشارکت را فراهم آورند.

نقش‌آفرینی معلمان ضمن اینکه می‌تواند باعث ترویج حس مشارکت و تعلق شهروندان به نظام سیاسی و حضور در عرصه انتخابات می‌شود، از طرفی دیگر می‌تواند تربیت سیاسی را نیز رقم بزند. تربیت سیاسی در این معنا تمایلات و آمادگی‌های روانی مطلوب برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی را به خوبی در افراد تثبیت می‌نماید. این فرایند نشان‌دهنده اهمیت تربیت شهروندی و تربیت سیاسی آنان در مقاطع ابتدایی است (شارع‌پور، ۱۳۸۳، ۲۹۲).

اهمیت این دیدگاه در آن است که تربیت سیاسی فرآیندی تدریجی و مستمر بوده و شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی و اجتماعی افراد از سال‌های نخست زندگی اجتماعی آنان آغاز می‌شود. در این میان، معلمان دوره‌های مختلف تحصیلی، به‌ویژه دوره ابتدایی، با آموزش مهارت‌های اجتماعی، تقویت روحیه پرسشگری و ایجاد زمینه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های جمعی، نقش مهمی در آماده‌سازی آنان برای ایفای نقش شهروندی در آینده دارند. از این منظر، مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی نتیجه یک فرآیند تربیتی

محیط اجتماعی رسمی پس از خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش افراد نسبت به جامعه، مسئولیت‌های عمومی و شیوه‌های مشارکت مدنی ایفا می‌کند. معلمان با ایجاد فرصت برای گفت‌وگو، تعامل اجتماعی و آموزش اصول مشارکت جمعی، می‌توانند زمینه پرورش نسلی را فراهم کنند که مشارکت سیاسی را به‌عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی خود درک نماید. این موضوع در نظام مردم‌سالار، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا استمرار مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان، نیازمند تربیت افرادی آگاه، مسئول و دارای توانایی تصمیم‌گیری جمعی است.

حس تعلق به سرزمین و مشارکت در تعیین سرنوشت از جمله مؤلفه‌های اساسی در یک نظام سیاسی و اجتماعی است که اقشار اثرگذار از جمله معلمان نقش مهمی در این زمینه دارند. با توجه به حساسیت انتخابات مجلس شورای اسلامی و لزوم مشارکت همه‌جانبه در این انتخابات، معلمان می‌توانند شرایط لازم را برای تربیت نیروهای سیاسی کاردان و شایسته ایجاد نمایند. همچنین معلمان می‌توانند تبعات نامطلوبی از جمله بی‌اعتنایی جوانان نسبت به سرنوشت کشور و آسیب‌پذیری آنان را در برابر هجمه‌ها و تبلیغات بیگانگان دامن‌گیر جامعه مصون سازند (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۴).

در این چارچوب، نقش معلم تنها به انتقال اطلاعات آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه وی به‌عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر می‌تواند در تقویت احساس تعلق ملی، افزایش اعتماد اجتماعی و ارتقای آگاهی سیاسی دانش‌آموزان نقش‌آفرینی کند. تربیت

بلندمدت است که ریشه‌های آن در محیط مدرسه و تعامل دانش‌آموز با معلم شکل می‌گیرد.

با نهادینه شدن این فرایند در ذهن و عمل دانش‌آموزان، آنان می‌توانند در صف انتظار برای رأی‌آوری‌هایی باشند که در انتخابات مجلس شورای اسلامی مشارکت داشته و در سرنوشت آینده خود دخیل باشند؛ زیرا تعلیم و تربیت با محوریت معلمان زمینه‌ساز فعال شدن نهادهای مدنی و مردمی در دوران قبل و حین انتخابات مجلس شورای اسلامی شده و تربیت مدنی را متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران به نظام آموزشی وارد می‌سازد. از این جهت حتی لازم است تا برنامه درسی مدارس به‌ویژه درس تعلیمات اجتماعی را در این‌باره مورد اصلاح و بازبینی قرار داد (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۱۳).

بر این اساس، نظام آموزشی باید علاوه‌بر انتقال دانش نظری، فرصت‌هایی را برای تجربه عملی مشارکت اجتماعی و مدنی دانش‌آموزان فراهم سازد. معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی مشارکت‌محور، دانش‌آموزان را با مفاهیمی همچون مسئولیت اجتماعی، حقوق شهروندی، قانون‌مداری و اهمیت تصمیم‌گیری جمعی آشنا کنند. بازنگری در محتوای درسی نیز می‌تواند به گونه‌ای انجام شود که تربیت سیاسی و مدنی، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، جایگاه روشن‌تری در فرایند آموزش رسمی پیدا کند و دانش‌آموزان را برای مشارکت آگاهانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی آماده سازد.

در همین راستا، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در فصل دوم با عنوان «بیانیه ارزش‌ها»، بند

۲۳، بر «مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه» تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۲، بند ۲۳).

تأکید سند بر این مؤلفه‌ها بیانگر آن است که نظام تعلیم و تربیت رسمی، تربیت فردی منفعل را دنبال نمی‌کند، بلکه درصدد پرورش انسان‌هایی است که توانایی حضور فعال و مسئولانه در عرصه‌های اجتماعی را داشته باشند. در این میان، معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل اجرایی اهداف تربیتی، نقش اساسی در تقویت روحیه مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. ایجاد فرصت برای گفت‌وگو، فعالیت‌های گروهی، شناخت حقوق و تکالیف اجتماعی و تقویت حس تعلق به جامعه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند دانش‌آموزان را برای ایفای نقش شهروندی در آینده، از جمله مشارکت آگاهانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، آماده سازد. بنابراین، مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی را می‌توان نتیجه فرآیندی تربیتی دانست که از سال‌های مدرسه و تحت تأثیر نقش‌آفرینی معلمان شکل می‌گیرد.

همچنین، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در فصل ششم با عنوان «راهبردهای کلان»، بند ۵، بر «نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» تأکید کرده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، فصل ۶، بند ۵). این راهبرد نشان می‌دهد که تحقق اهداف نظام

آموزشی، نیازمند رویکردی مشارکتی و تعامل میان مدرسه و جامعه است.

بر این اساس، معلمان نه تنها انتقال‌دهنده دانش، بلکه تسهیل‌کننده ارتباط میان نظام آموزشی و محیط اجتماعی پیرامون خود هستند. تقویت فرهنگ مشارکت از طریق مدرسه، زمینه شکل‌گیری شهروندانی را فراهم می‌کند که نسبت به مسائل عمومی جامعه احساس مسئولیت داشته و در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی، از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، حضوری آگاهانه و مسئولانه داشته باشند. از این منظر، نقش معلمان در ترویج مشارکت مدنی و سیاسی، بخشی از مأموریت گسترده‌تر نظام تعلیم و تربیت برای تربیت شهروندانی مسئول، مشارکت‌جو و متعهد به سرنوشت اجتماعی خویش محسوب می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

تحقق مردم‌سالاری دینی در هر نظام سیاسی، صرفاً به وجود نهادهای رسمی مشارکت، از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، وابسته نیست، بلکه بیش از هر چیز به کیفیت جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان و میزان آگاهی آنان از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی بستگی دارد. در این میان، نظام تعلیم و تربیت به‌عنوان نخستین نهاد رسمی جامعه‌پذیری پس از خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری نسل آینده ایفا می‌کند و معلمان به‌عنوان مهم‌ترین کنشگران این نظام، محور اصلی تحقق این کارکرد به‌شمار می‌آیند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نقش معلمان در فرآیند مردم‌سالاری دینی، صرفاً به انتقال دانش یا آموزش

مفاهیم درسی محدود نمی‌شود، بلکه آنان از طریق تربیت سیاسی، آموزش حقوق شهروندی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توسعه فرهنگ قانون‌مداری و ایجاد زمینه مشارکت آگاهانه، در شکل‌گیری سرمایه انسانی لازم برای تحقق مردم‌سالاری دینی نقش بنیادین دارند.

تحلیل یافته‌ها بر پایه نظریه اثربخشی سیاسی نیز نشان داد که مشارکت سیاسی پایدار، تنها زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان از یک‌سو خود را دارای توانایی فهم و تحلیل مسائل عمومی و اثرگذاری بر تصمیمات سیاسی بدانند و از سوی دیگر، نظام سیاسی را پذیرای مشارکت و نقش‌آفرینی آنان تلقی کنند. بر این اساس، نقش معلمان را باید در تقویت هر دو بعد اثربخشی سیاسی مورد توجه قرار داد. معلمان با آموزش مهارت‌های تفکر، گفت‌وگو، تحلیل مسائل اجتماعی، تقویت روحیه پرسشگری، احترام به قانون و تبیین حقوق و تکالیف شهروندی، احساس توانمندی سیاسی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند و زمینه را برای مشارکت مسئولانه آنان در آینده فراهم می‌سازند.

از این منظر، مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی نه یک رفتار مقطعی و صرفاً انتخاباتی، بلکه نتیجه‌ی فرآیندی مستمر از تربیت سیاسی و مدنی است که از سال‌های نخست تحصیل آغاز شده و در تعامل مستمر میان معلم و دانش‌آموز شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، بررسی اسناد بالادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نشان داد که مفاهیمی همچون بصیرت دینی و سیاسی، انتخابگری آگاهانه، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت مؤثر، رعایت حقوق شهروندی و

تقویت روحیه جمعی، از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

این اهداف بیانگر آن است که نظام آموزشی، تربیت شهروندانی فعال، مسئول و متعهد به منافع عمومی را دنبال می‌کند و تحقق این مأموریت، بیش از هر چیز به کیفیت عملکرد معلمان وابسته است. در واقع، معلمان حلقه اتصال میان سیاست‌های کلان آموزشی و تحقق عملی مردم‌سالاری دینی در جامعه هستند و از طریق فرایند تعلیم و تربیت، ارزش‌های مدنی و سیاسی را از سطح اسناد و سیاست‌ها به سطح رفتارهای اجتماعی و شهروندی منتقل می‌کنند.

جایگاه اجتماعی معلمان، دامنه‌ی اثرگذاری آنان را فراتر از محیط مدرسه گسترش می‌دهد. اعتماد عمومی به این قشر موجب شده است که معلمان علاوه بر نقش تربیتی، در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی نیز از ظرفیت اثرگذاری قابل توجهی برخوردار باشند. با این حال، این ظرفیت زمانی در راستای تحقق مردم‌سالاری دینی و حقوق شهروندی کارآمد خواهد بود که بر پایه اصول بی‌طرفی حرفه‌ای، قانون‌مداری، منافع عمومی و ارتقای آگاهی سیاسی شهروندان به کار گرفته شود. بنابراین، ارزش نقش معلمان نه در جهت‌دهی سیاسی به جامعه، بلکه در توانایی آنان برای تربیت شهروندانی است که بتوانند با استقلال فکری، شناخت صحیح از حقوق و تکالیف خود و درک پیامدهای اجتماعی انتخاب‌هایشان، در انتخابات مجلس شورای اسلامی مشارکتی مسئولانه، آگاهانه و مبتنی بر مصالح عمومی داشته باشند.

بدین ترتیب رابطه‌ی میان معلمان، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری دینی را در قالب یک زنجیره به هم پیوسته تبیین می‌کند؛ به گونه‌ای که تحقق مردم‌سالاری دینی، مستلزم تربیت شهروندانی برخوردار از آگاهی سیاسی و مسئولیت اجتماعی است و این مهم، بدون ایفای نقش فعال معلمان در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، نقش معلمان را باید فراتر از یک کارکرد آموزشی و در قالب یک مأموریت راهبردی برای توسعه سرمایه اجتماعی، تقویت فرهنگ مشارکت، ارتقاء حقوق شهروندی و افزایش کیفیت مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی تحلیل کرد.

بر همین اساس، ارتقاء شایستگی‌های حرفه‌ای، تربیتی و اجتماعی معلمان، تقویت آموزش حقوق شهروندی در برنامه‌های درسی، گسترش روش‌های آموزشی مشارکت‌محور و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از مهم‌ترین الزامات تحقق مردم‌سالاری دینی و افزایش کیفیت مشارکت آگاهانه و مسئولانه شهروندان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌شمار می‌رود. در نتیجه، هر اندازه نظام آموزشی بتواند از ظرفیت معلمان برای پرورش شهروندانی قانون‌مدار، مسئول، دارای بصیرت سیاسی و آگاه به حقوق و تکالیف شهروندی بهره‌برداری کند، زمینه تحقق مردم‌سالاری دینی و استحکام پیوند میان نظام سیاسی، حقوق شهروندی و مشارکت عمومی نیز به همان میزان تقویت خواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به‌صورت برابر در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

بنا بر اظهارات نویسندگان، در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- آقاباگی، اکبر و آقاباگی، فرامرز، «حقوق شهروندی و ضرورت آموزش آن، نقش معلمان و نظام آموزشی در آموزش حقوق شهروندی»، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، دور چهاردهم، شماره اول، ۱۳۹۹.

- ابراهیم‌زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۸۷.

- اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی‌نقی و ابوجعفری، مهدی، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

- بلاغت، سیدرضا؛ نقیب‌زاده، میرعبدالحسین؛ قائدی، یحیی و محمودنیا، علیرضا، «بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ترویج دموکراسی در مدارس دوره ابتدایی استان فارس»، مجله پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره بیستم، شماره دوم، ۱۳۹۱.

- تنها، داود؛ فرزند دهکردی، لطف‌الله و دل‌افروز، نرگس، «واکاوی عوامل مؤثر بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام مردم‌سالاری دینی از منظر

بازاریابی سیاسی با تأکید بر دانش رأی‌دهنده»، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره یازدهم، شماره چهارم، ۱۴۰۲.

- رشیدی مفرد، ویدا؛ ناطقی، فائزه و سیدی، فرانک، «طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه درسی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی در دوره متوسطه اول»، فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره هفتم، شماره سوم، ۱۴۰۲.

- رضوی، سیدعباس؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس و ابراهیمی قوام، صغری، «بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی»، مجله روانشناسی تربیتی، دوره ششم، شماره شانزدهم، ۱۳۸۹.

- شیبانی، ملیحه و موسوی، میرطاهر، «تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره یازدهم، شماره چهل‌ویکم، ۱۳۹۰.

- شیروانی شیر، علی؛ جهرمی، ساجده و دهقانی، زهرا، «شناسایی مهارت‌ها و شایستگی‌های معلم در آموزش و تربیت اجتماعی و سیاسی»، فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، دوره سوم، شماره سوم، ۱۴۰۰.

- صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه؛ تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.

- صالحی، اکبر و یاراحمدی، مصطفی، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با

نوآوری آموزشی، دوره نوزدهم، شماره هفتاد و
۱۳۹۹.

- موحدی‌نیا، حسین؛ بوستانی، داریوش و مسلمی
مهنی، «زمینه‌سازهای تداخل سیاست در آموزش و
پرورش استان کرمان»، *دو فصلنامه مسائل اجتماعی
ایران*، دوره دوازدهم، شماره دوم، ۱۴۰۰.

- موسوی، سیده منصوره؛ انصاریان، فهیمه؛ صمدی،
معصومه و عباسی سروک، لطف‌الله، «تبیین تحلیلی
مؤلفه‌های تربیت دینی از منظر سند تحول بنیادین
آموزش و پرورش»، *فصلنامه مطالعات معرفتی*، دوره
بیست‌وششم، شماره اول، ۱۴۰۱.

- میرزائی‌تبار، میثم، صادقی، وحید، حسینی، سید
محمدحسین، «نقش گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای
اجتماعی در انتخابات مجلس شورای اسلامی
(نمونه‌پژوهی: حوزه انتخابیه ممسنی)»، *مجله
جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۶ (۲)، ۱۳۹۷.

- یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا، «برنامه درسی به
عنوان یک گفتمان سیاسی»، *دانشنامه ایرانی برنامه
درسی*، ۱۳۹۶.

ب. منبع لاتین

- Bandura, A. "Self efficacy mechanism
in human agency. American
Psychologist", Vol. 37, No. 2, 1982.

ج. اسناد رسمی

- شورای عالی انقلاب فرهنگی، *سند تحول بنیادین
آموزش و پرورش*، تهران، شورای عالی انقلاب
فرهنگی، ۱۳۹۰.

تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، *دو فصلنامه
تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره هفتم، ۱۳۸۷.

- عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران،
انتشارات نی، ۱۳۹۰.

- علی‌محمدی، غلامعلی؛ جباری، نگین و نیازآذری،
کیومرث، «توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در
چشم‌انداز آینده و ارائه مدل»، *فصلنامه نوآوری‌های
آموزشی*، دوره هجدهم، شماره شصت‌ونهم، ۱۳۹۸.

- فرهادی، الهام؛ سالار کسرای، محمد و توسلی
رکن‌آبادی، مجید، «آموزش شهروندی در سند
تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی
ایران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی/انقلاب
اسلامی*، دوره دوم، شماره چهارم، ۱۴۰۲.

- فهندژ سعدی، سیده معصومه؛ محمدجانی،
محمدرضا و حقیقت، حمیدرضا، «تأثیر مشروعیت
سیاسی و مردم‌سالاری دینی بر نظام انتخاباتی
مجلس شورای اسلامی»، *مجله تاریخ، سیاست و
رسانه*، دوره بیست‌وهفتم، شماره اول، ۱۴۰۳.

- کرم‌زادی، مسلم، *الزامات توجه به تربیت مدنی در
سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و شیوه‌های
تحقق آن*، مجموعه مقالات سومین کنفرانس
بین‌المللی علوم رفتاری، ۱۳۹۷.

- کمال‌پور خوب، ناصر؛ هاشمی، سیدضیاء و نجاتی
حسینی، سیدمحمود، «تبیین جامعه‌شناختی
مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند
مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران
(مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و
پرورش، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله)»، *فصلنامه*